



جنگ اول جهانی در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی، نقطه عطفی در سرنوشت ملل غرب بود. هنگامی که ناپولس جنگ اول جهانی به صدا درآمد، فرانسه و انگلیس تصمیم خود را مبنی بر تجزیه امپراتوری عثمانی گرفته بودند. مذاکرات سری، بهار ۱۹۱۵ میلادی بین انگلستان، فرانسه و روسیه در شهر پترزبورگ بر گزار شد که سال ۱۹۱۶ میلادی به امضای موافقتنامه پترزبورگ که مناطق نفوذ دولت‌های اروپایی را در امپراتوری عثمانی تعیین می کرد، انجامید. در جریان این توافق، از جانب فرانسه، «ژرژ پیکو» و از طرف انگلستان «مارک سایکس» حضور داشتند. در قرارداد سایکس– پیکو، سهم فرانسه از متصرفات عثمانی، سوریه و لبنان تعیین شد. سهم دولت انگلیس عبارت بود از نواحی جنوبی عراق و شهر بغداد و بندر حیفا و عکا در فلسطین (ماده ۳). قرار شد اراضی بین متصرفات فرانسه و انگلیس به صورت کشور مستقل یا اتحادیه امیرنشین‌های عرب درآید و به نوبه خود به منطقه نفوذ فرانسه و انگلیس تقسیم شود، بدین ترتیب که سوریه منطقه فرانسوی و عراق و موصل منطقه انگلیس محسوب شوند. منطقه اخیر شامل اراضی واقع بین فلسطین و مرز ایران نیز می‌شد (ماده ۴). اراضی زیر به دولت روسیه واگذار شد: ایالات ازروم، پرولیزان، وان، بت لیس (ارمنستان

■ ■ ■

**محمدحسن طباطبایی**؛ با توجه به ماهیت قراردادهای نفتی و عدم انتشار آنها به صورت واقعی در سطح افکار عمومی در قبال از انقلاب اسلامی، لازم به توضیح است معمولی که در پی می‌آید ترجمه مقالاتی است که توسط اینجانب قیل از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۵ از مجله اکونومیست (Economist) صورت گرفته است و این ترجمه در کنار درس اقتصاد نفت در دانشگاه تبریز ارائه شد. متن زیر مربوط به قراردادهای نفتی بعد از کودتای ۱۳۳۲ است. اینجانب بعد از انقلاب اسلامی به وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران مراجعه کرده و خواهان متن قراردادهای نفتی پیش از انقلاب جهت مقایسه با قراردادهای نفتی جمهوری اسلامی ایران که از طریق بیع متقابل و روش B.O.T صورت گرفته، شدم که متأسفانه هیچ کدام رابر خلاف قانون در اختیار اینجانب نگذاشتند(! ۱– اکتبر ۱۹۵۳ مذاکرات میان دولت زاهدی و نمایندگان آمریکا درباره نفت ایران و بهره‌برداری از آن به وسیله انحصارات خارجی آغاز شد.

۲– ۱۷ اکتبر ۱۹۵۳ هورر، مشاور ویژه وزارت خارجه آمریکا در مساله نفت وارد تهران شدد و درباره تشکیل کنسرسیوم بین‌المللی نفت برای استخراج، بهره‌برداری، تصفیه و فروش نفت ایران با دولت زاهدی به مذاکره پرداخت.

۳– فوریه ۱۹۵۴ کنفرانس نمایندگان نفتی آمریکا و انگلستان درباره تقسیم نفت ایران در لندن تشکیل شد. ۴– ۲۵ فوریه ۱۹۵۴ کمیاتی بریتیش پترولیوم (B.P) و نمایندگان کمیاتی‌های نفتی آمریکا و سایر کمیاتی‌ها در غیاب ایران درباره چگونگی تشکیل کنسرسیوم بین‌المللی نفت برای بهره‌برداری از نفت ایران با هم به توافق رسیدند.کنسرسیوم جدیدالتأسیس تصمیم گرفت مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار به عنوان غرامت از دست دادن انحصار نفت ایران به کمیاتی بریتیش پترولیوم (B.P) بپردازد. تقسیم‌بندی سهام انحصارات نفتی شرکت‌کننده در کنسرسیوم بین‌المللی نفت به قرار زیر صورت گرفت.

۵ کمیاتی آمریکایی: (۱) استاندنارد اویل نیوجرسی، (۲) استاندنارد اویل کالیفرنیا، (۳) تگزاس اویل کمپانی، (۴) سو کوئی و اکیوم اویل کمپانی، (۵) گلفاولی کورپوریشن، بر روی هم ۴۰ درصد سهام را به دست آوردند. ۱۴ درصد سهام به شرکت نفتی انگلیسی– هلندی رویال داچ شل و ۶ درصد سهم به کمیاتی نفتی فرانسوی فرانسوا دوتپترول رسید.

۵– دسامبر ۱۹۵۴ پس از تشکیل کنسرسیوم، نمایندگان کنسرسیوم درباره تحویل و بهره‌برداری نفت جنوب به وسیله کنسرسیوم با دولت زاهدی وارد مذاکره شدند.

۶– ۱۹ دسامبر ۱۹۵۴ علی امینی، وزیر دارایی دولت زاهدی قرارداد نهایی میان دولت ایران و کنسرسیوم بین‌المللی نفت را امضا کرد.

۷– قرارداد نفتی کنسرسیوم با ایران با قانون ملی شدن صنایع نفت مصوب ۱۹۵۱ کاملاً مغایرت داشت طبق

چگونه ۲ جنگ جهانی مرزهای جغرافیایی و انسانی خاورمیانه را دچار تغییرات اساسی کرد؟

# زایش اسرائیل از میان شهر آشوب

- دکتر محمدا میر شیخ‌نوری

بریتانیا، حفظ امنیت هندوستان، مثل دوران جنگ اول جهانی، مهم‌ترین اولویت سیاسی و استراتژیک بود و مراقبت از صدور نفت ایران نیز نگرانی بعدی انگلستان را تشکیل می‌داد. مصر یک بار دیگر پایگاه بزرگ مدیترانه‌ای بریتانیا شد. با بی‌طرفی ترکیه و ایران، منطقه خاورمیانه کاملاً امن به نظر می‌رسید. بریتانیا معتقد بود اعراب فلسطین، با توجه به اعلامیه سفید سال ۱۹۳۹ میلادی، دیگر مشکلی برای آن کشور در بحبوحه جنگ با آلمان فراهم نخواهند کرد. خطری که بریتانیا را تهدید می کرد، وضعیت سوریه و عراق بود. اگر چه عراق در سپتامبر ۱۹۳۹ روابط خود را با آلمان قطع کرد، گروهی از ملی‌گرایان ضدانگلیسی اعم از افراد نظامی و غیرنظامی که بر اثر پیروزی‌های جنگی آلمان مقابل فرانسه، قدرت نفوذ فراوان یافته بودند، مارس ۱۹۴۱ با یک اقدام انقلابی قدرت را به چنگ آوردند و «رشید عالی گیلابی»، در رأس دولتی طرفدار دولت‌های محور به نخست‌وزیری رسید «نوری سعید» نایب‌السلطنه و عده‌ای دیگر از سیاستمداران برجسته کشور مجبور به فرار شدند. هنگامی که دولت جدید از قبول تقاضای بریتانیا مبنی بر نقل و انتقال نیرو از عراق به استناد پیمان «انگلیسی –عراقی» میان ۲ کشور خودداری کرد، کینه‌های پنهان، آشکار شد. نیروهای عراقی پایگاه بریتانیا را در حثایه محاصره کردند اما افکار عمومی عراق یکپارچه و روشن نبود، کمک‌های وعده داده شده دولت‌های محور نیز برای انقلابیون بسیار کم و دیرهنگام بود. یک واحد کوچک هندی در بصره پید شد تا به سرانجام عرب ماوراء اردن تحت فرماندهی «کلاب پاشا» ملحق شود. انقلاب پس از چند هفته درهم شکسته شد، اعضای دولت رشید عالی منواری شدند و از کشور گریختند و نایب‌السلطنه به کشور مراجعت کرد. دولت‌هایی که از این پس در عراق روی کار آمدند، همگی تا پایان جنگ با متفقین همکاری کردند، پایان جنگ دوم جهانی برای خاورمیانه غیر از مصیبت، ارمان دیگری نداشت. کشورها همچنان زیر سلطه قدرت‌های استعمراری باقی ماندند، هرچند به ظاهر مستقل بودند. یکی از این مصیبت‌ها تشکیل

۱۹۷۱ به ۲ میلیارد و ۱۱۱ میلیون دلار و سال ۱۹۷۲ به ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار رسید.

۲۹– نوامبر ۱۹۷۰ ایران موفق شد سهم خود را از درآمد نفت کنسرسیوم بین‌المللی نفت ۵۰ تا ۵۵ درصد افزایش دهد. البته بخش مهمی از این درآمدها جهت خرید اسلحه روانه کشورهای غربی می‌شد.

۳۰– سال ۱۹۷۳ ایران با کنسرسیوم نفت موافقتنامه‌هایی امضا کرد که به موجب آن تمام منابع نفت و صنایع نفت و پالایشگاه‌ها که در اختیار کنسرسیوم بود به ایران تحول شد و به موجب این موافقتنامه فروش نفت به مدت ۲۰ سال و یعنی تا سال ۱۹۹۳ به کنسرسیوم واگذار گردید و نیز قرار شد به شرکت‌کنندگان در کنسرسیوم متناسب با سهم آنها در کنسرسیوم طی این مدت نفت فروخته شود. ۲۱– سال ۱۹۷۳ در ارتباط با افزایش پرشتاب تورم در جهان سرمایه‌داری و جنگ اعراب و اسرائیل و بالا رفتن قیمت‌های کالاهای وارداتی، ایران به اتفاق دیگر کشورهای صادرکننده نفت اوپک قیمت فروش نفت را چهار برابر کرد و این اقدام موجب افزایش فراوان درآمد نفت شد.

۳۲– سال ۱۹۷۴ درآمد نفت ایران به ۱۸/۶ میلیارد دلار رسید ولی همانطور که عنوان شد بخش اعظم این درآمد برای خرید تسلیحات و دادن وام و اعتبار از جانب ایران به کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و در کشورهای در حال رشد و سرمایه‌گذاری به مصرف رسید.

۳۳– ژانویه ۱۹۷۵ شاه ایران در مصاحبه با خبرنگار روزنامه «السیاسیه» کویت اظهار داشت ایران پس از افزایش درآمد نفت، وام و اعتبار در اختیار کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته گذاشته است و با صراحت اعلام کرد ایران به جهان باختر تعلق دارد.

۳۴– اواخر ژانویه ۱۹۷۵ هویدا، نخست‌وزیر اعلام کرد ایران از درآمدهای نفتی خود مبلغ ۹ میلیارد دلار وام به کشورهای خارجی داده است.

- نتیجه‌گیری**

ایران طی سال‌های ۷۴- ۱۹۷۲ از درآمد نفت فقط از آمریکا ۶۱۸ میلیارد دلار انواع اسلحه مدرن خریداری کرد. علاوه بر این، از انگلستان و آلمان غربی نیز اسلحه خریداری شده است. میزان کل خرید اسلحه ایران طی این مدت معادل ۸ میلیارد دلار بود. در حالی که برابر آمر سازمان ملل متحد فروش اسلحه در سراسر جهان در سال به ۲۰ میلیارد دلار می‌رسید. بدین ترتیب، سهم سرانه هزینه‌های نظامی مردم ایران که سطح زندگی آن‌ها چند برابر پایین‌تر از سطح زندگی اهالی کشورهای غربی است، نسبت به کشورهای عضو پیمان ناتو چندین برابر بیشتر است. به طور کلی ایران از طریق خریدهای کلان اسلحه و دادن وام و اعتبار به کشورهای سرمایه‌داری عملاً بخش اعظم درآمدهایی را که از نفت به دست می‌آورد به این کشورهای سرمایه‌داری منتقل کرده است.

♦**کنترای علوم اجتماعی، استاد دانشگاه**

**منبع: سقوط، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی**

**پاورقی ۱۹**

متن کتاب «تبه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱ سپتامبر

### دروغ بزرگ

برخی از نشریات اروپایی در آن زمان به اشتباه محل کشف این یادداشت اخیر را پنتاگون اعلام کردند. این یادداشت‌ها در ۴ صفحه



تنظیم شده بودند و اغلب محتوای اخلاقی و مذهبی دربر داشتند.

۱– تو نذر کرده‌ای که خود را در این راه قربانی کنی، عهد خود را به یاد آور و دوباره آن را تازه کن، بدن خود را از موهای زاید پاک و غسل کن

و با عطر، معطر کن.

۲– یک بار دیگر جزئیات نقشه را با خود مرور کن، این کار را تا اطمینان کامل و آگاهی از جزء به جزء برنامه ادامه بده، برای لحظه‌های مقابله مستقیم و عکس‌العمل‌های خود در مقابل حرکت‌های احتمالی دشمن آمادگی کامل داشته باش.

۳– سوره‌های توبه و انفال را با توجه به معانی آن بخوان و به آنچه خداوند به شهادا وعده داده، امیدوار باش و…

تدارک تولیدو عرضه‌چنین دستنوشته‌هایی با چنین سبک نگارش و محتوای خاص متعصبان مذهبی، طعمه‌ای بود که مقابل افکار عمومی معترض به دولت‌مردان آمریکا رها شد. اندکی آشنایی با اسلام، جعلی بودن متن فوق را آشکار می‌کند. به طور مثال مسلمانان گفتار و نوشته‌های خود را با نام خداوند و به کارگیری جمله «بِسْمِاللّٰهِحَمْنِالرَّحِیْمِ» آغاز می‌کنند و نه به نام خود و خانواده، نه مسلمانان و نه شاخه‌های منشعب از این دین همچنان در سیاست تجزیه و تقسیم منطقه به عقب ننگه داشتن مردمان آن پایداری کنند. در این گزارش توصیه شده است برای از بین بردن ارتباط فکری و معنوی منطقه، باید از همه گونه وسایل علمی فعال استفاده شود. مثلاً باید قسمت آفریقای از قسمت آسیایی آن با برقراری یک مانع انسانی قوی و بیگانه مجزا شود. این نیروهای جدید اگر در نزدیکی کانل سوئز مستقر شوند می‌توانند منابع غرب را به بهترین وجه حفظ کنند. به این ترتیب نظریه سازنده اسرائیل، یعنی صهیونیسم سیاسی، از سنت یهودی که به عنوان پوشش و دستاویزی از آن استفاده می‌کند، به وجود نیامده، بلکه از ناسیونالیسم و سیاست استعمارگرانه غرب در قرن نوزدهم سرچشمه گرفته و نوعی زیادپرستی، ناسیونالیسم و استعمارگری است.

**منبع: صهیونیسم و نقد تاریخ‌نگاری معاصر غرب، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**

FBI، محمد عطا را سر کرده گروه می‌داند و طبق تحقیقات این سازمان محمد ۲۳ ساله به مدت ۱۰ سال در «salou» اسپانیا اقامت داشته، سپس به سوئیس می‌رود و در شهر زوریخ مستقر می‌شود.

او یک قبضه چاقوی سوئیسی از یکی از فروشگاه‌ها خریداری می‌کند و بهای آن را با کارت اعتباری می‌پردازد. از نظر کارشناسان FBI این همان چاقویی است که محمد در عملیات هواپیمارایی به کار گرفته است. او سرانجام از هیومورگ آلمان سر درمی آورد. در این شهر بود که محمد به اتفاق ۲ نفر دیگر از دوستانش دوره‌هایی از مباحث مهندسی الکترونیک را می‌گذرانند. محمد و دوستانش در این سال‌ها توانستند افکار و نیت خود را در دید سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی پنهان نگاه دارند و کسی نسبت به گرایش‌های افراطی آنان مطمئن نشود. محمد داستان FBI خود را به شهر «Venice» واقع در ایالت فلوریدا می‌رساند و در آنجا به همراه دیگر دوستانش در کلاس‌های آزاد خلبانی ثبت نام می‌کند. آنها حتی در میامی چند ساعتی پشت شیشه‌ساز هواپیما می‌نشینند. از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان، محمد عطایی خدا بی‌بامرز گاهی به لاس وگلس می‌رفته و برای ردگم کردن هم پنهان کردن عقاید بنیادگیرانه‌اش سرری هم به کلباره Olympic Garden (بزرگ‌ترین کلباره جهان) می‌زد. این مزدور عجیب، از طریق پروازهای داخلی خود را به بوستون می‌رساند. روز ۱۱ سپتامبر، محمد چمدان خود را در فاصله ۲ پرواز کم کرده و لذا مدتی به دنبال آن می‌گردد. این تکرار هر چند کوتاه، موجب جا ماندن از هواپیما می‌شود، ولی او با پرواز بعدی خود را به مقصد می‌رساند. محتوای چمدان باعث می‌شود ماموران FBI مدارکی دل بر تورریست بودن محمد پیدا کنند. این مدارک عبارت‌تند از فیلم ویدئویی آموزش پرواز هواپیمایی بوئینگ، کتابی از محتوای تعلیمات اسلامی و نامه‌ای قدیمی که نویسنده آن آرزوی شهادت داشته است.فرمانده عملیات صندلی D 8 پیمای کوتاه از تلفن همراه یکی از خدمه پرواز هواپیمایی بوئینگ ربوده شده برای FBI هم فرستاده. هیچ گونه شکی بایا نمانده که فرمانده عملیات همان محمد عباس است. می‌توان اینگونه اطلاعات را جدی تلقی کرد؟ چطور می‌توان پذیرفت فردی چون محمد عطا با توصیفی که FBI از گذشته او می‌دهد مرتکب چنین خطاهای فاحشی شود؟

**ادامه دارد**